



سخنی از توماس کلییری ۸

پیش‌گفتار ۱۰

ارزیابی‌های استراتژیک ۱۴

در جنگ ۲۰

طرح نقشه برای محاصره ۲۴

آرایش نیروها ۲۸

نیرو ۳۲

تهی بودن و پُر بودن ۳۶

درگیری مسلحانه ۴۲

هماهنگی ۴۸

رزمایش نیروها ۵۲

زمین ۶۰

نُه میدان ۶۴

جنگِ آتش ۷۴

استفاده از جاسوس ۷۶

هنر رزم برای ملت مهم است، میدان مرگ و زندگی و مسیر بقا و نابودی است؛ پس بررسی آن ضروری است.

میدان یعنی موقعیت، مکان درگیری. اگر برتری را در میدان از آن خود کنید، زنده می‌مانید، اگر برتری را از کف بدهید، می‌میرید. از این رو، عملیات نظامی را میدان مرگ و زندگی نام نهاده‌اند. مسیر یعنی راه هماهنگی با موقعیت و تحقق پیروزی. این راه را پیدا کنید، جان سالم به در می‌برید، پیدا نکنید نابود می‌شوید.

بنابراین پنج چیز را ملاک ارزشیابی قرار دهید و از نتایج حاصل برای مقایسه استفاده کنید تا دریابید شرایط چگونه است. این پنج چیز عبارت است از راه، آب و هوا، زمین، رهبری و انضباط.

ارزیابی این موارد به عهده‌ی ستاد فرماندهی است؛ ابتدا خود و طرف مقابل را با توجه به این پنج چیز ارزیابی کنید و ببینید چه کسی برتر است، آن‌گاه می‌توانید بگویید چه کسی احتمالاً برنده می‌شود.

راه یعنی تشویق افراد به داشتن هدف مشترک با رهبر؛ به طوری که بدون هیچ هراسی در مرگ و زندگی کنار یکدیگر باشند.

راه یعنی انسانیت و عدالت. در زمان‌های قدیم، وزیر مشهوری از یک فیلسوف سیاسی درباره‌ی مسائل نظامی پرسش کرد. فیلسوف پاسخ داد: «انسانیت و عدالت، ابزار حکومت درست بر مردم است. وقتی عملکرد دولت درست باشد، مردم با رهبری احساس نزدیکی می‌کنند و حاضرند جان خود را نیز برای آن بدهند.»

آب و هوا یعنی فصل‌های سال.

در دوران باستان، در اردوکنشی‌هایی که علیه قبایل هون انجام می‌گرفت، بسیاری از سربازان انگشتان خود را بر اثر سرمازدگی از دست می‌دادند، از طرف دیگر سربازانی که به جنگ قبایل جنوبی می‌رفتند، گرفتار مرگ و میر

بر اثر طاعون می‌شدند. علت این مشکلات انجام عملیات در زمستان و تابستان بود.

زمین باید بر مبنای فاصله، سختی یا آسانی مسیر، بُعد و امن بودن مورد ارزیابی قرار گیرد.

در عملیات نظامی، نخستین اولویت، شناخت وضعیت زمین است. وقتی می‌دانید چه مسافتی باید طی شود، آن‌گاه می‌توانید برنامه‌ریزی کنید که پیشروی‌تان به صورت مستقیم یا در مسیری غیرمستقیم انجام شود. وقتی دشواری یا آسانی مسیر را بدانید، می‌توانید مزایای استفاده از پیاده‌نظام و یا سواره‌نظام را بررسی کرده و در مورد استفاده از هر یک از آنها تصمیم‌گیری کنید. وقتی ابعاد منطقه را بدانید، آن‌گاه می‌توانید ارزیابی کنید که چه تعداد سرباز نیاز دارید، کم یا زیاد. وقتی امنیت نسبی زمین را بدانید، می‌توانید تمهید دهید که آیا وارد جنگ شوید یا نه، بهتر است پراکنده شوید.

رهبری، مجموع هوش، قابلیت اعتماد، انسانیت، شجاعت و سخت‌گیری است.

راه پادشاهان باستان این بود که پیش از هر چیز انسانیت را مورد توجه قرار می‌دادند، در حالی‌که استادان هنرهای رزمی پیش از هر چیز به هوش توجه می‌کردند. علت این است که هوش شامل توانایی برنامه‌ریزی و دانستن زمان تغییر مؤثر است. اعتماد یعنی اطمینان دادن به افراد از بابت تنبیه یا پاداش. انسانیت یعنی عشق و غمخواری برای افراد و آگاه بودن از مشقت‌های آنان. شجاعت یعنی شکار فرصت‌ها برای تحکیم پیروزی، بدون اینکه تردید به خود راه دهید. سخت‌گیری یعنی تثبیت نظم در صفوف با استفاده از تنبیه‌های مقرر.

انضباط یعنی سازماندهی، سلسله مراتب و پشتیبانی.

سازماندهی یعنی اینکه لازم است سربازان به شیوه‌ای منظم گروه‌بندی شوند. سلسله‌مراتب یعنی تأکید بر وجود افسران برای یکپارچه نگه‌داشتن سربازان و هدايت آنها، پشتیبانی نیروها یعنی نظارت بر تدارکات.